

تشریح مقررات جدید نسبت کفایت سرمایه

دسامبر ۲۰۰۱

بانک تسویه‌های بین‌المللی

جناب آقای دکتر منوچهر منوچهری

مدیر حسابرسی داخلی سرپرستی

منطقه خلیج فارس بانک صادرات ایران

ایمنی و استحکام در سیستم‌های مالی پیچیده و فعال امروز تنها وقتی می‌تواند تحقق یابد که ترکیبی از سه عامل مدیریت مؤثر بانکی، نظم بازار و نظارت سرپرستان با هم در آمیزند. مقررات سال 1988 بیشتر به جمع مبلغ سرمایه بانک توجه داشت که جهت کاهش ریسک ورشکستگی بانک و زیان از دست دادن سپرده‌های مشتریان امری حیاتی به حساب می‌آید. بر همین مبنا، در تدوین چهارچوب مقررات جدید به منظور بهبود ایمنی و سلامت سیستم‌های مالی، سه مقوله تاکید بیشتر بر کنترل‌های داخلی و مدیریت هر بانک، تجدیدنظر جریان سرپرستی و نظم بازار جایگاه ویژه‌ای دارد.

اگرچه تمرکز چهارچوب مقررات جدید مقدماتاً بر روی بانک‌های فعال بین‌المللی است، ولی اصول واقعی و اساسی آن طوری طراحی شده که به کارگیری آن در هر بانک دیگری صرف‌نظر از سطوح مختلف پیچیدگی و برجستگی هایش مناسب باشد. کمیته جهت هرچه بهتر تدوین شدن چارچوب مقررات جدید، از دیدگاه‌های سرپرستان و ناظران بانکی سراسر دنیا برخوردار بوده است و با آنها مشورت‌هایی داشته، لذا انتظار دارد که مقررات جدید ابتدا در یک دوره مشخصی از زمان توسط بانک‌های مهم به مرحله اجرا گذاشته شود و پس از برطرف نمودن نقائص و کاستی‌های احتمالی توسط بانک‌های دیگر نیز به اجرا درآید.

در مقررات سال 1988 (جاری)، اساساً فقط یک راه حل جهت محاسبه سرمایه مناسب و مکفی برای بانک‌های فعال بین‌المللی تدارک دیده شده بود. بهترین راه محاسبه، مدیریت و کم کردن ریسک بود که به هر حال هر بانکی با بانک دیگر فرق می‌کرد. بدین منظور در سال 1996

تکمله‌ای به مقررات قبلی اضافه گردید تحت این عنوان که به ریسک تجاری توجه شده بود و در پی آن برای اولین بار به بعضی از بانک‌ها اجازه داده شده بود که بر مبنای سیستم‌های خودشان ریسک بازار را نیز محاسبه نمایند.

در تدوین چارچوب مقررات جدید برای تعیین سطوح سرمایه بانک‌ها، طیفی از نگرش‌های ساده تا پیشرفته در نظر گرفته شده که هم در محاسبه ریسک اعتباری به کار می‌رود و هم در محاسبه ریسک عملیاتی.

همچنین ساختار قابل انعطافی پیش بینی گردیده تا هر بانکی با توجه به تجدیدنظر سرپرستی، نگرش‌هایی را در نظر بگیرد که بهترین تناسب را با سطوح برجستگی‌ها و مجموعه ریسک‌هایش داشته باشد.

در چارچوب مقررات جدید همچنین برای محاسبه هر چه دقیقتر و محکم‌تر ریسک، آگاهانه پاداشی نیز در نظر گرفته شده است.

هدف تدوین چارچوب جدید تدارک نگرش‌هایی است که از دیدگاه ریسک هم جامع‌تر و هم حساس‌تر از مقررات سال 1988 باشد، درحالی که از دیدگاه نگهداری سطح سرمایه تغییر چندانی با مقررات قبلی نکرده است.

نیازهای سرمایه‌ای که بیشتر در راستای محاسبه ریسک‌های اساسی باشد، به بانک اجازه می‌دهد تا عملیات خود را با کارآئی بیشتر و بهتری اداره کند.

چارچوب مقررات جدید نسبت به مقررات قدیم کمتر حالت تجویزی و دستورالعملی دارد، به عبارت دیگر، انعطاف بیشتری در آن گنجانیده شده است. درحالی که بخواهیم ساده‌ترین شرایط را در نظر بگیریم فرمول محاسبه مقررات جدید تا حدودی پیچیده‌تر از مقررات قدیم است، اما در عوض مجموعه‌ای از نگرش‌های محاسبه حساسیت و ریسک تحلیلی برای بانک‌هایی که قابلیت استفاده از آن را دارند در نظر گرفته شده که خود نیازمند تدوین دستورالعملی برای اجرای آن می‌باشد.

کمیته اعتقاد دارد در کشورهایی که هماهنگی لازم بین عوامل سرمایه و ریسک در آنها نزدیک‌تر باشد، مطمئناً منافع بیشتر از هزینه‌ها خواهد بود و در نتیجه سیستم بانکی در چنین حکومت‌هایی باید ایمن‌تر، سالم‌تر و کارآتر باشد.

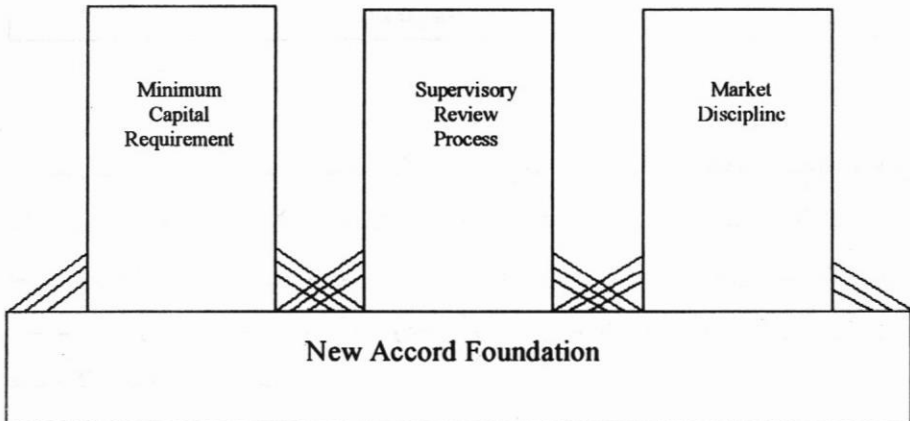
Structure Of The New Accord

There are three Pillars of the New Accord

Minimum Capital Requirement 1st Pillar:

Supervisory Review Process 2nd Pillar:

Market Discipline 3rd Pillar:



ساختار مقررات جدید کفایت سرمایه کمیته بال

Structure Of the New Accord

ارکان سه گانه مقررات جدید Three Pillars Of the New Accord

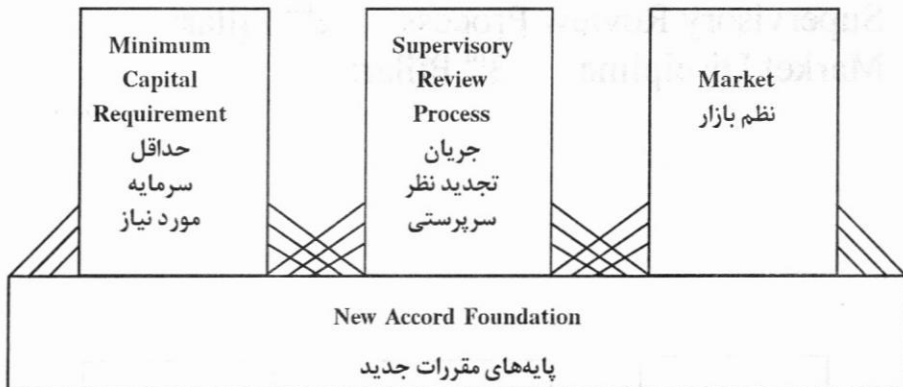
رکن اول - حداقل سرمایه مورد نیاز

First Pillar: Minimum Capital Requirement

رکن دوم - جریان تجدیدنظر سرپرستی:

Second Pillar: Supervisory Review Process

رکن سوم - نظم بازار Third Pillar: Market Discipline

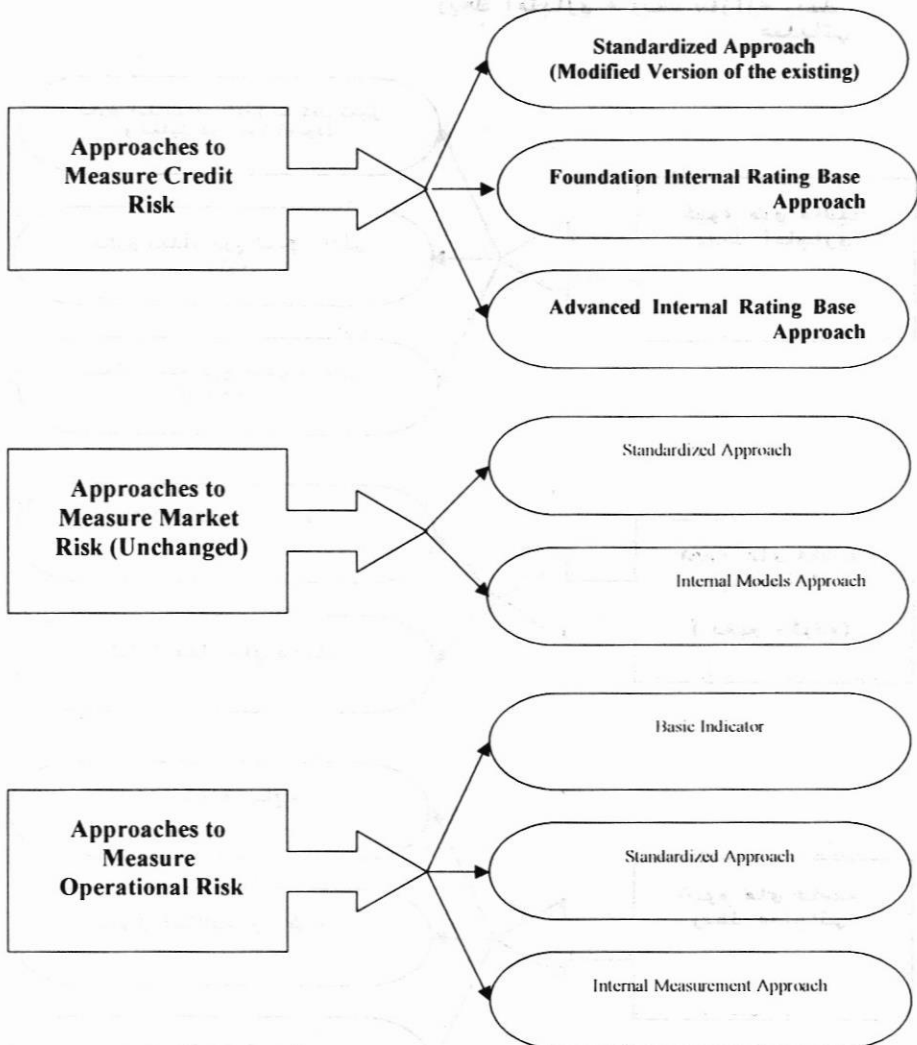


مقررات جدید کفایت سرمایه کمیته بال از سه رکن مقاوم و مستحکم تشکیل شده که به طور مشترک باید به ایمنی و سلامت سیستم مالی بانک‌ها کمک نمایند. کمیته اعتقاد دارد که سرپرستان بانکی در سراسر دنیا جهت نیل به اجرای موثر تمامی جنبه‌های مقررات جدید بایستی به طور فعالانه برنامه ریزی کنند و دستیابی به این هدف مستلزم استفاده بهینه و قوی از همه ارکان سه گانه می باشد.

The First Pillar: minimum Capital Requirement

How Capital Adequacy is measured

$$\frac{\text{Total Capital (Unchanged)}}{\text{Credit risk + Market Risk + Operational Risk}} = \text{Bank's Capital ratio (Minimum 8\%)}$$

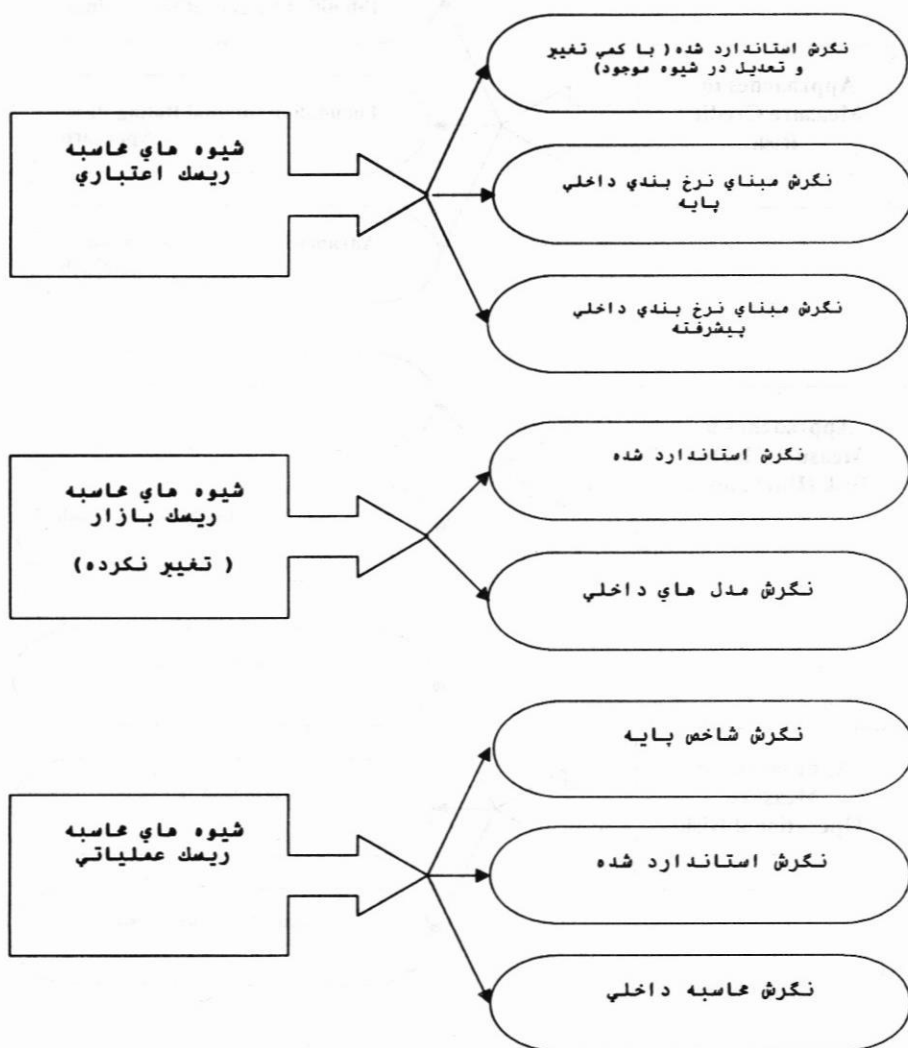


کفایت سرمایه چگونه محاسبه می شود

(حداقل 8%) نسبت کفایت سرمایه = $\frac{\text{جمع سرمایه بانك (تغییر نکرده)}}{\text{ریسك اعتباری + ریسك بازار + ریسك عملیاتی}}$

کفایت سرمایه چگونه محاسبه می شود

(حداقل 8%) نسبت کفایت سرمایه = $\frac{\text{جمع سرمایه بانك (تغییر نکرده)}}{\text{ریسك اعتباری + ریسك بازار + ریسك عملیاتی}}$



همانطور که در نمودار ملاحظه می‌شود رکن اول جهت حداقل سرمایه مورد نیاز تدوین شده است. نکته حائز اهمیت این است که "چهارچوب مقررات جدید هم تعریف سرمایه را در بر می‌گیرد و هم حداقل مورد نیاز 8 % سرمایه به ریسک موزون دارائی‌ها را." جهت حصول اطمینان از اینکه آیا ریسک مربوط به همه گروه‌های بانکی در محاسبه کفایت سرمایه در نظر گرفته می‌شود یا خیر، چهارچوب مقررات جدید به گروه بانک‌های تلفیقی تعمیم داده شده است.

سرمایه - سرمایه خود به دو درجه تقسیم می‌شود: سرمایه درجه 1 و سرمایه درجه 2
سرمایه درجه 1 -

سرمایه درجه 1 خود به دو گروه تقسیم می‌شود - الف - سرمایه قانونی (LEGAL CAPITAL یا سهام تمام پرداخت شده (PAID _ UP SHARE CAPITAL) و ب - اندوخته‌های افشاء شده (ارائه شده) (DISCLOSED RESERVES) به استثنای اندوخته‌های مخفی.

الف - سرمایه قانونی - سرمایه قانونی شامل سهام عادی تمام پرداخت شده بانک‌ها و هم چنین سهام ممتاز غیر انباشته دائمی PERPETUAL NON-CUMULATIVE PREFERRED STOCKS می‌باشد. منظور از سهام عادی تمام پرداخت شده سهامی است که دارای حق رأی می‌باشند و مبلغ اسمی آنها نیز تماماً پرداخت گردیده. خاصیت سهام ممتاز غیر انباشته دائمی این است که این سهام در سود و زیان بانک‌ها مشارکت دارند و ویژگی دیگر آن این است که چنانچه بانک دارای سود باشد، ابتدا سود سهامداران ممتاز غیر انباشته پرداخت می‌شود و سپس سود سهامداران عادی ولی چنانچه بانک زیان داشته باشد، به سهامداران ممتاز غیر انباشته سودی تعلق نمی‌گیرد در صورتی که به سهام ممتاز انباشته چه بانک سود داشته باشد چه زیان، سود مربوط تعلق می‌گیرد و ب - اندوخته‌های افشاء شده - اندوخته‌های افشاء شده شامل اندوخته قانونی RESERVE LEGAL، صرف سهام - PAID IN CAPITAL، سود (زیان) انباشته RETAINED EARNINGS و سهم اقلیت در بانک سرمایه‌پذیر MINORITY INTEREST OF INVESTEE در صورتهای مالی تلفیقی می‌باشد و اندوخته‌های مخفی HIDDEN RESERVES و اندوخته‌های تجدید ارزیابی دارائی‌ها ASSET REVALUATION RESERVES و سهام ممتاز انباشته CUMULATIVE PREFERRED STOCKS جزو سرمایه درجه 1 محسوب نمی‌شوند.

توضیح: جهت مطالعه بیشتر در مورد عناصر تشکیل دهنده سرمایه درجه 1، لطفاً به فصل

سوم کتاب حسابداری میانه - 2 ترجمه و تألیف منوچهر منوچهری مراجعه شود.

سرمایه درجه 2-

عناصر سرمایه درجه 2 از پنج گروه زیر تشکیل می شوند:

- الف - اندوخته های مخفی
UNDISCLOSED RESERVES
- ب - اندوخته های تجدید ارزیابی دارایی ها
ASSET REVALUATION RESERVES
- ج - ذخائر عمومی و ذخائر زیان و امها
GENERAL PROVISIONS/GENERAL
LOAN LOSS RESERVES
- د - ابزارهای سرمایه ای دو منظوره (بدهی و سرمایه ای)
HYBRID (DEBT/EQUITY) CAPITAL INSTRUMENTS
- ه - بدهی های مشروطه (تبعی) بلند مدت
SUBORDINATED TERM BOND

اقلام قابل کسر از سرمایه

قبل از پرداختن به تشریح عناصر تشکیل دهنده سرمایه درجه 2، لازم است در مورد اقلام قابل کسر از سرمایه درجه 1 و کل سرمایه توضیح داده شود:

- 1 - مبلغ سرقفلی (GOOD WILL) بانکها بایستی در محاسبه نسبت کفایت سرمایه از مجموع سرمایه درجه 1 کسر شود.
 - 2 - سرمایه گذاری ها در بانک های غیر تلفیقی و شرکت های مالی فرعی بایستی از مجموع سرمایه درجه 1 و 2 کسر شود، زیرا فرض بر این است که چهارچوب مقررات کمیته بال در مورد گروه بانک های تلفیقی قابل اعمال می باشد.
 - 3 - سرمایه گذاری ها در سرمایه بانکها و موسسات مالی بنا به تشخیص مقامات هر کشوری از مجموع سرمایه قابل کسر می باشد.
- حال به بررسی و تشریح اجزاء تشکیل دهنده سرمایه درجه 2 پرداخته می شود.

الف - اندوخته های مخفی -

اندوخته های مخفی به عنوان یکی از اجزای مکمل سرمایه درجه 1، به شرطی که مورد قبول مقامات نظارتی بانکها باشد، می تواند جزو سرمایه درجه 2 تلقی گردد. اندوخته های مخفی علیرغم اینکه در ترازنامه های بانکها منعکس نمی باشند، اما کیفیت و ویژگی آنها در حد اندوخته های افشاء شده می باشد. به طوری که می باید در هر زمان جهت پوشش زیان های

احتمالی آینده در دسترس باشند. این تعریف شامل اندوخته‌های مخفی ناشی از نگهداری و اوراق بهادار به نرخ پائین‌تر از نرخ بازار نمی‌شود.

ب - اندوخته‌های تجدید ارزیابی دارائی‌ها

این اندوخته به دو بخش تقسیم می‌شود، اول اینکه در بعضی از کشورها به موجب قوانین بانکی و مالی، بانک‌ها و سایر موسسات بازرگانی مجازند با توجه به رشد قیمت‌ها در بازار، دارائی‌ها ثابت از جمله ساختمان‌ها و مستغلات خود را تجدید ارزیابی کنند، اندوخته ناشی از این تجدید ارزیابی به عنوان یکی از اجزاء سرمایه درجه 2 در ترازنامه آنها منعکس می‌شود. دوم اینکه برخی از بانک‌ها اندوخته مخفی ناشی از تجدید ارزیابی نگهداری اوراق بهادار سرمایه‌ای بلند مدت را هم به عنوان یکی از اجزاء سرمایه درجه 2 تلقی می‌نمایند. منتهی با فرض اینکه یک تخفیف 55 درصدی نسبت به این اندوخته در نظر گرفته می‌شود تا پوشش احتمال نوسانات قیمت و مالیات مربوطه را در بگیرد. به مفهوم دیگر میزان قابل محاسبه اندوخته مخفی ناشی از تجدید ارزیابی نگهداری اوراق بهادار سرمایه‌ای بلند مدت عبارت است از 45 درصد مابه‌التفاوت قیمت بازار سهام و قیمت تمام شده آنها.

ج - ذخائر عمومی و ذخائر زیان وام‌ها -

این ذخائر که به منظور جبران کاهش احتمالی دارائی‌ها و زیان ناشی از وام‌ها کنار گذاشته می‌شود می‌تواند به عنوان یکی از اجزاء سرمایه درجه 2 محسوب گردد. به شرطی که حداکثر جمع این ذخائر از 1/25 درصد دارائی‌های مربوط و یا در مواقع به خصوص و موقت حداکثر تا 2 درصد دارائی‌ها قابل قبول باشد. ضمناً ذخائر مربوط به دارائی‌های خاص و برخی بدهی‌های شناخته شده نبایستی مشمول این ذخیره‌ها باشند.

د - ابزارهای تأمین سرمایه دو منظوره (بدهی و سرمایه‌ای)

ابزار تأمین مالی سرمایه‌ای ابزاری است که دارنده آن جزو سهامداران بانک قرار می‌گیرد و به چنین ابزاری EQUITY SECURITIES یا اوراق بهادار سرمایه‌ای گفته می‌شود. ابزار تأمین مالی بدهی ابزاری است که دارنده آن صرفاً جزو بستانکاران بانک قلمداد می‌شود به چنین ابزاری DEBT SECURITIES یا اوراق بهادار بدهی گفته می‌شود. حال ابزار سرمایه‌ای دو منظوره یا CAPITAL INSTRUMENTS HYBRID ابزاری است که ضمن دارا بودن خواص و ویژگی‌های اوراق بهادار سرمایه‌ای، ویژگی‌های اوراق بهادار بدهی را هم دارا می‌باشد که

البته مشخصات آنها ممکن است در هر کشور با کشور دیگر متفاوت باشد، به هر صورت این اوراق بهادار بایستی دارای شرایط و مشخصات زیر باشند:

بدون تضمین بوده، جزو اوراق بهادار مشروط و تبعی بوده و وجه آن تماماً پرداخت شده باشد.

صرفاً با اختیار صادر کننده اوراق بهادار و یا با رضایت قبلی مقامات نظارتی بانک قابل بازخرید باشند به عبارت دیگر CALLABLE باشند نه REDEEMABLE.

بدون آنکه در فعالیت‌های تجاری بانک توقفی به وجود آید، در زیان‌های حاصله سهیم باشند. (برخلاف اوراق بهادار بدهی مشروط)

اگرچه ابزارهای سرمایه‌ای که متضمن پرداخت بهره می‌باشند و بهره آن نیز معمولاً کاهش نمی‌یابد (برخلاف سود متعلق به سهامداران معمولی که ممکن است در طول سال مالی بنا به ضرورت پرداخت گردد و یا پرداخت نگردد) ولی گاهی اوقات اتفاق می‌افتد که به علت زیان‌های وارده به بانک پرداخت سود یا بهره ابزارهای سرمایه‌ای به سال‌های بعد منتقل می‌گردد (مانند سهام ممتاز انباشته) از جمله ابزارهای سرمایه‌ای دو منظوره که در کشورهای مختلف گروه 10 جریان دارند عبارتند از:

آمریکا

- سهام ممتاز انباشته CUMULATIVE PREFERRED STOCKS
- سهام ممتاز قابل بازخرید با اختیار صادر کننده (بانک) PREFERRED STOCKS
- CALLABLE
- اوراق قرضه قابل بازخرید با اختیار صادر کننده CALLABLE BONDS
- سهام ممتاز قابل تبدیل CONVERTIBLE PREFERRED STOCKS
- اوراق قرضه قابل تبدیل CONVERTIBLE BONDS

کانادا

- سهام ممتاز بلند مدت LONG - TERM PREFERRED SHARES

فرانسه

- اوراق مشارکت TITRES PARTICIPATIFS
- اوراق بدهی تبعی نامحدود TITRES SUBORDONNES A DUREE
- INDETERMINEE

آلمان

-اوراق مشارکت GENUSSSCHEINE

انگلستان

-اوراق بدهی تبعی دائمی PERPETUAL SUBORDINATED DEBT

-سهام ممتاز دائمی PERPETUAL PREFERENCE SHARES

بدهی‌های مشروط (تبعی) بلند مدت

این نوع بدهی‌ها شامل ابزارهای سرمایه‌ای تضمین نشده با حداقل سررسید ثابت 5 سال و همچنین سهام ممتاز قابل بازخرید با اختیار سهامدار با عمر محدود می‌باشند. برخلاف ابزارهای مندرج در بند (د) این ابزارها در زیان بانک سهیم نمی‌باشند و به همین دلیل مجموع اینگونه ابزارهای قابل احتساب در سرمایه درجه 2، حداکثر تا 50 درصد سرمایه درجه 1 می‌باشند از جمله این ابزارها همانطور که در سطور قبلی ذکر گردید، می‌توان سهام ممتاز قابل بازخرید با اختیار سهامدار یا PREFERRED STOCKS REDEEMABLE و اوراق قرضه قابل بازخرید با اختیار دارنده یا REDEEMABLE BONDS و اوراق قرضه مشروطی (تبعی) یا BONDS SUBORDINATAED را نام برد.

توضیح: برای مطالعه بیشتر در مورد اجزاء تشکیل دهنده سرمایه درجه 2، لطفاً به فصل دوم و سوم کتاب حسابداری میانه - 2 ترجمه و تألیف منوچهر منوچهری مراجعه شود.

محدودیت‌های سرمایه درجه 2

الف - جمع سرمایه درجه 2 حداکثر می‌تواند 100 درصد سرمایه درجه 1 باشد و نایبستی از آن تجاوز نماید.

ب - جمع بدهی‌های مشروط (تبعی) نایبستی حداکثر از 50 درصد اجزاء سرمایه درجه 1 بیشتر باشد.

ج - چنانچه ذخائر عمومی یا ذخائر زیان وام‌ها که ناشی از کاهش ارزش دارائی‌ها و همچنین زیان‌های مخفی و ناشناخته می‌باشد در ترازنامه وجود داشته باشد، این ذخائر حداکثر تا 1/25 درصد دارائی‌ها بوده و در موارد خاص به طور موقت می‌تواند تا 2 درصد دارائی‌های مذکور باشد.

د - 55 درصد تخفیف نسبت به اندوخته تجدید ارزیابی دارائی‌ها در نظر گرفته می‌شود. به عبارت دیگر فقط 45 درصد اندوخته تجدید ارزیابی دارائی‌ها می‌تواند

سرمایه درجه 2 تلقی شود.

در تدوین مقررات جدید توجه بیشتر معطوف به اصلاح محاسبه ریسک‌ها گردیده به طوری که در فرمول مشاهده می‌گردد مخرج کسر شامل محاسبه ریسک‌های سه‌گانه می‌باشد. کارشناسان مالی و بانکی عقیده دارند که: به موجب مقررات جدید پیشنهادی در کمیته بازل به بانک‌ها اجازه داده می‌شود که با استفاده از نرخ بندهای داخلی خود که به (نگرش مبنای نرخ بندی داخلی معروف است)، محاسبه نمایند که جهت پوشش زیان ریسک اعتبارات خود چه میزان سرمایه اختصاص دهند.

در مورد شیوه‌های محاسبه ریسک اعتباری در مقررات جدید نسبت به مقررات فعلی توضیح بیشتری داده شده است. همچنین برای اولین بار در این چهارچوب محاسبه ریسک عملیاتی در نظر گرفته شده و این در حالیست که نحوه محاسبه ریسک بازار بدون تغییر باقی مانده است. برای محاسبه ریسک اعتباری دو شیوه عمده پیش بینی گردیده، که نخستین آن نگرش استاندارد شده می‌باشد و دومین آن نگرش مبنای نرخ بندی داخلی (IRB) که نگرش اخیر خود به دو جزء پایه و پیشرفته تقسیم شده است. استفاده از نگرش مبنای نرخ بندی داخلی منوط به تصویب سرپرستان بانک می‌باشد که این امر خود مبتنی بر انتشار استانداردهای مربوطه از سوی کمیته بال است.

نگرش استاندارد شده در مورد ریسک اعتباری

(The Standardized Approach For Credit Risk)

نگرش استاندارد شده ریسک اعتباری از نظر مفهومی دقیقاً همان چیزی است که در مقررات جاری وجود دارد با این تفاوت که از حساسیت ریسک بیشتری برخوردار است.

بدین معنی که بانک برای هر یک از دارائی‌ها و اقلام ذیل ترازنامه ضرایب ریسک مشخصی را تخصیص می‌دهد به طوری که مجموع آنها ارزش موزون ریسک دارائی‌ها را تشکیل می‌دهد یکی از اقلام مخرج کسر محسوب می‌شود. به عنوان مثال اگر چنانچه یک قلم دارائی دارای ضریب ریسک 100% باشد به این مفهوم است که 100% ارزش آن دارائی بایستی در محاسبه ریسک موزون منظور شود و به این ترتیب هزینه سرمایه آن نیز 8% دارائی خواهد بود. در مثال دیگر اگر ضریب ریسک یک قلم دارائی 20% فرض شود، حداقل سرمایه مورد نیاز آن دارائی 1/6 خواهد بود ($8 \times 5 = 1/6$)

نتیجتاً قاعده کلی در مورد حداقل سرمایه مورد نیاز در بانک‌ها چنین خواهد بود که به ازای هر 100 واحد دارائی ریسک‌پذیر با ریسک 100 درصد، معادل 8 واحد سرمایه مورد نیاز است. در

نتیجه هرچه ضریب ریسک دارائی‌ها در بانک‌ها کمتر باشد، حداقل سرمایه مورد نیاز جهت کفایت سرمایه نیز کمتر خواهد بود و به همین منظور صاحب‌بنظران و تحلیل‌گران بانکی عقیده دارند که هرچه ضریب ریسک دارائی‌ها کمتر باشد بانک مجبور نخواهد بود تا مبلغ بیشتری را به عنوان حداقل سرمایه در بانک محبوس نماید و یا تخصیص دهد.

پس از انتشار پیش نویس مقررات جدید کمیته بازل، روزنامه خلیج تایمز چاپ دبی از قول کارشناسان بانکی و مالی نوشت (با انتشار مقررات جدید کمیته بازل مقدار قابل ملاحظه‌ای از سرمایه بانک‌ها از محبوس شدن تحت عنوان ریسک سرمایه، آزاد می‌شوند) (پنجشنبه 10 2001 MAY)

تعداد زیادی از بانک‌های عمده و بین‌المللی دنیا می‌توانند پس از به اجرا درآمدن مقررات جدید کمیته بازل از سال 2004، سرمایه عظیمی را که جهت پوشش ریسک سرمایه محبوس نموده‌اند آزاد نمایند.

آقای جاناتان دیویس ریس بخش اعتباری مؤسسه حسابرسی پرایس واتر هاوزس کوپرز اظهار می‌دارد: (مزیت بزرگ مقررات جدید کمیته بازل این است که سرمایه اختصاصی جهت ریسک اعتباری بانک‌ها را به حداقل رسانیده و نتیجتاً باعث می‌شود که مازاد آن به سمت سهامداران بانک‌ها سوق داده شود).

ضرایب ریسک فردی در حال حاضر بستگی به درجه اهمیت و طبقه وام گیرنده دارد (مثلاً اشخاص متنفذ و قدرتمند، بانک‌ها یا شرکت‌ها). تحت شرایط مقررات جدید، ضرایب ریسک اعتباری بایستی باتوجه به درجات نرخ بندی که از طرف موسسات ارزیابی اعتباری مستقل اعلام می‌گردد و منطبق با این موسسات نرخ بندی می‌توان به Moody's Investors Service و Fitch و Standard & Poor's Corporation اشاره نمود. به عنوان مثال تحت شرایط مقررات فعلی برای ریسک وام‌های اعطائی به شرکت‌های ضریب ریسک 100 درصد در نظر گرفته شده درحالیکه بر مبنای مقررات جدید برای همین مورد بخصوص چهار طبقه ضریب 150 % . چنانچه ملاحظه می‌شود، مقررات جدید در این زمینه از انعطاف بیشتری برخوردار می‌باشد و دست بانک‌ها را برای تعیین ضرایب ریسک اعتباری باز گذاشته است.

نگرش مبنای نرخ بندی داخلی (IRB) The Internal Ratings Based Approach

تحت شرایط این نگرش به بانکها اجازه داده می شود برای محاسبه ریسک اعتباری مشتریان از برآوردهای داخلی ارزش اعتباری خود استفاده نمایند مشروط بر اینکه به طور جدی استانداردهای افشاء حقایق و روش شناسی را رعایت نمایند. ضمناً در همین راستا چهارچوب های تحلیلی جداگانه ای برای هر یک از انواع حدود اعتبار مختلف در نظر گرفته شده که باتوجه به مشخصات و ویژگی های زیان احتمالی حاصله از هر یک از آنها تکنیک محاسبه ریسک جداگانه ای را نیز می طلبد.

به عنوان مثال محاسبه ریسک اعتباری وام های اعطائی به شرکت ها با وام های اعطائی به اشخاص فردی با هم تفاوت دارند.

به موجب این نگرش ابتدا ارزش اعتباری هر مشتری بانک برآورد می شود که مبنای محاسبه حداقل سرمایه مورد نیاز را تشکیل می دهد. چهارچوب این نگرش هم برای روش پایه مورد ارزیابی حدود اعتباری شرکت ها، مشتریان متنفذ و بانک ها.

در روش پایه، احتمال قصوری که به وسیله هر وام گیرنده ممکن است انجام شود توسط بانک برآورد گردیده و سپس سرپرستان سایر فاکتورهای لازم را در آن دخالت می دهند.

در روش پیشرفته نیز به یک بانکی با سرمایه کاملاً مکفی و دارای کنترل های داخلی توسعه یافته اجازه داده می شود تا سایر فاکتورهای لازم جهت تعیین ضرایب ریسک را تهیه نماید.

تحت هر دو نگرش مبنای نرخ بندی داخلی پایه و پیشرفته، میزان ضرایب ریسک محاسبه شده دارای تنوع و گوناگونی بیشتری نسبت به نگرش استاندارد شده می باشد، در نتیجه حساسیت ریسک آنها نیز بیشتر و بزرگتر خواهد بود.

آقای ریچارد بولتن مدیر ریسک اعتباری بخش نظارت خدمات مالی FSA بانک مرکزی انگلیس می گوید (بانک های زیادی هستند که بایستی قادر باشند تا از سال 2004، برای محاسبه پوشش ریسک اعتبار خود از نگرش مبنای نرخ بندی داخلی (IRB) پایه استفاده نمایند. وی می افزاید: علاوه بر بانک ها حتی مؤسسات مالی و اعتباری نظیر مؤسسه وام دهندگان مشترک رهنی انگلیس با رعایت استانداردهای مربوط می توانند مشمول مقررات جدید کمیته بازل گردند.)

مؤسسه بین المللی نرخ بندی استاندارد اندپورز (Standard & Poor s Corporation) می گوید: (حدود 60 بانک عمده بین المللی می توانند از سال 2004 از نگرش مبنای نرخ بندی داخلی پایه استفاده نمایند که این رقم دو سال بعد از آن به دو برابر خواهد رسید.)

خانم تانیا آزارچز تجربه و تحلیلگر مسائل بانکی مؤسسه بین المللی نرخ بندی استاندارد اندپورز عقیده دارد (سؤال واقعی این است که آیا استفاده از نگرش مبنای نرخ بندی داخلی (IRB) به سمت پایان دادن به کنار گذاردن منابع عظیمی از سرمایه بانکها می رود. که اگر چنین باشد، باید شاهد این واقعیت نیز باشیم که بانکها دیوانه وار و شتابان به سمت آن رو خواهند آورد). مقررات جدید به بانکها اجازه می دهد که از 3 نوع انتخاب استفاده کنند. آنها هم می توانند به نرخهای تعیین شده از سوی مؤسسات بین المللی نرخ بندی مانند استاندارد اندپورز (Standard & Poor's Corporation) یا مودیز اینوستورز سرویس (Moody's Investors Service) متکی باشند و هم می توانند از دو نوع مدل نرخ بندی داخلی یعنی نگرش مبنای نرخ بندی داخلی پایه و نگرش مبنای نرخ بندی داخلی پیشرفته استفاده نمایند.

عوامل مخففه ریسک اعتباری و وثیقه گذاری

(Credit Risk Mitigation and Securitisation)

چهار چوب مقررات جدید هم در بخش نگرش استاندارد شده و هم در بخش مبنای نرخ بندی داخلی در ارتباط با توثیق و تائق اعتبارات مشتریان بانکها شیوههای حساسیت ریسک بیشتری را ایجاد نموده است تا بدین منظور با وثیقه گرفتن و تائقی نظیر ضمانت نامه، اوراق قرضه، و تائق ارزی و سایر و تائق مرسوم در سیستم بانکی از ضریب ریسک اعتباری بکاهد.

ریسک عملیاتی (Operational Risk)

همانطور که می دانید طبق مقررات 1988 جهت کفایت سرمایه فقط یک ریسک آن هم تحت عنوان ریسک اعتباری (اصلی ترین ریسک در بانکها) در نظر گرفته شده بود و حداقل سرمایه مورد نیاز (8%) پوشش سایر ریسکها را نیز در بر می گرفت. در سال 1996، ریسک بازار حدود اعتباری نیز به آن اضافه گردید و نتیجتاً حداقل سرمایه مورد نیاز می بایستی این ریسک را نیز پوشش می داد. در این اقدام و در جهت ایجاد حساسیت ریسک اعتباری بیشتر، کمیته تصمیم گرفت که با هماهنگی صاحب نظران بانکها حداقل سرمایه مورد نیاز را به یک ریسک دیگری تحت عنوان ریسک عملیاتی تعمیم دهد.

از جمله مواردی که مشمول ریسک عملیاتی در بانکها می شوند می توان از زیان ناشی از نقص در سیستمهای کامپیوتری و از کار افتادن آنها و یا زیان حاصله از ضعف اسناد بانکی و یا زیان حاصله از سوء استفاده و تقلب را نام برد. در حال حاضر بسیاری از بانکهای عمده دنیا، ضریب 20% سرمایه داخلی یا بیشتر از آن را در مورد ریسک عملیاتی در نظر می گیرند.

کار بر روی ریسک عملیاتی در کمیته بال در مرحله پیشرفت و توسعه می باشد و تاکنون در این ارتباط سه نگرش برجسته (شاخص پایه، استاندارد شده و محاسبه داخلی) شناخته شده است.

نگرش شاخص پایه دلالت دارد بر استفاده از تنها یک شاخص ریسک عملیاتی برای تمام فعالیت یک بانک و یا به عبارت دیگر هر بانک برای محاسبه ریسک عملیاتی فعالیت های خود فقط از یک شاخص پایه استفاده می نماید. نگرش استاندارد شده بدین معنی است که هر بانک در محاسبه ریسک عملیاتی برای خطوط اعتباری مختلف از شاخص های مختلف استفاده می کند. و در نگرش سوم یعنی محاسبه داخلی، بانک های برای محاسبه سرمایه مورد نیاز از اطلاعات داخلی مربوط به برآورد زیان استفاده می کنند. بر مبنای آنچه تاکنون انجام شده است، کمیته انتظار دارد که برای محاسبه میانگین ریسک عملیاتی، به طور کلی تقریباً 20 % سرمایه مورد نیاز برای آن در نظر گرفت.

همچنین باتوجه به اینکه چهار چوب مقررات جدید کمیته در شرف تدوین نهانی می باشد، انتظار کمیته از صاحب نظران بانکی این است که از طریق جمع آوری اطلاعات لازم و کافی در مورد زیان های احتمالی طی ماه های آتی، آنان را در محاسبه و برآورد دقیق یک معیار پیشرفته از سنجش ریسک عملیاتی یاری نمایند.

سرمایه کلی (Overall Capital)

باتوجه به مباحث یاد شده در صفحات قبل، چنین به نظر می رسد که هدف کمیته در پیش نویس مقررات جدید مورخ ژوئن سال 1999 در مورد بانک های فعال بین المللی که نگرش استاندارد شده را مورد استفاده قرار می دهند تغییری نکرده، بدین معنی که مجموع سرمایه قانونی مورد نیاز کمیته شامل ریسک عملیاتی نه افزایش و نه کمتر شده است.

و اما در ارتباط با استفاده از نگرش مبنای نرخ بندی داخلی (IRB)، هدف نهائی کمیته این است که اطمینان حاصل کند آیا سرمایه مورد نیاز قانونی برای جبران ریسک های اصلی و اساسی کافی است و یا اینکه آیا انگیزه های لازم برای استفاده از نگرش مبنای نرخ بندی داخلی را به جای نگرش استاندارد شده دارد. همچنین کمیته، صاحب نظران صنعت بانکداری را در راهبری و آزمایش وسیع جوانب مختلف ریسک های عملیاتی جهت نیل به اهداف مورد نیاز به همکاری دعوت می نماید.

رکن دوم - جریان تجدیدنظر سرپرستی

(The Second Pillar - Supervisory Review Process)

جریان تجدیدنظر سرپرستی بدین معنی است که سرپرستان بانک‌ها از طریق نظارت مستمر خود اطمینان حاصل کنند که هر بانک دارای جریان‌های داخلی سالم و بی‌عیب و نقص در مقام ارزیابی کفایت سرمایه خود بر مبنای محاسبات دقیق ریسک‌هایش می‌باشد. در این راستا مقررات جدید کمیته بال اهمیت مدیریت بانک را در بسط و توسعه یک جریان ارزیابی سرمایه داخلی بیان می‌کند و همچنین کمیته به برقراری اهدافی جهت سرمایه‌ای که متناسب با سبد ریسک‌های بخصوص بانک و کنترل محیط آن باشد نیم‌نگاهی دارد. ضمناً سرپرستان مسئول ارزیابی حسن اجرای محاسبه کفایت سرمایه بانک‌ها با توجه به ریسک‌های نسبی آن می‌باشند. این جریان داخلی نیازمند مداخله و تجدیدنظر سرپرستی بانک‌ها در هر جایی که مناسب تشخیص داده شود، می‌باشد.

اجرای این پیشنهادها و دیدگاهها در بسیاری از موارد احتیاج به گفتگو و مباحثه بیشتر بین سرپرستان و بانک‌ها دارد و اجرای این امر به نوبه خود نیازمند تربیت و تجهیز سرپرستان بانک‌ها از طریق رهنمودهای کمیته بال و همکاری موسسه تثبیت مالی بانک تسویه‌های بین المللی (BST's Financial Stability Institute) می‌باشد.

رکن سوم - نظم بازار (The Third Pillar: Market Discipline)

هدف رکن سوم چهارچوب مقررات جدید کمیته بال، تقویت نظم بازار از طریق افزایش ضریب افشاگری صورت‌های مالی بانک‌ها در بازار سرمایه است. افشاگری موثر و مفید برای سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه امری بسیاری حیاتی است. زیرا از این طریق می‌توانند حصول اطمینان داشته باشند که وضعیت کفایت سرمایه بانک‌ها چگونه است و همچنین آگاهی لازم را نسبت به سبد ریسک‌های بانک پیدا نمایند. در مقررات جدید شرایط و توصیه‌هایی جهت افشاگری صورت‌های مالی در نظر گرفته شده که شامل راه‌های ارزیابی ریسک‌های بانکی و محاسبه کفایت سرمایه بانک می‌باشد.

بیشترین کانون توجه توصیه‌های افشاگری صورت‌های مالی که بانک‌ها بایستی به آن عمل نمایند، در مورد شناسایی سرپرستی از روش‌های داخلی ارزیابی ریسک اعتباری، تکنیک‌های کاهش ریسک اعتباری و وثیقه‌گذاری دارائی‌ها می‌باشد.

تشریح برخی اصطلاحات اساسی در مقررات جدید کمیته بال

رکن اول (Pillar 1) - عبارت است از قواعدی که حداقل نسبت کفایت سرمایه را از طریق تقسیم سرمایه به دارائی‌های ریسک‌پذیر تعریف می‌کند.

رکن دوم (Pillar 2) - رکن تجدیدنظر سرپرستی، که نیازمند این مطلب است که سرپرستان یک تجدیدنظر کیفی روی تکنیک‌های تخصیصی سرمایه بانک‌ها به عهده بگیرند و همچنین نظارتی نیز بر روی مطابقت با استانداردهای مربوطه داشته باشند.

رکن سوم (Pillar 3) - که عبارت است از شرایط افشاء صورت‌های مالی بانک‌ها که باعث تسهیل در تنظیم بازار بشود.

نرخ بندی داخلی (Internal Rating) - نتیجه مجموعه‌ای از محاسبات ریسک اعتباری یک بانک از سبد اعتباری آن.

ارزیابی نرخ بندی اعتباری خارجی (External Credit Assessment) - نرخ بندی‌های منتشره به وسیله موسسات بخش خصوصی یا عمومی خارج از بانک.

تلفیق (Consolidation) - ارزیابی ریسک یک بانک بر مبنای صورت‌های مالی تلفیقی.

ریسک عملیاتی (Operational Risk) - ریسک زیان مستقیم یا غیر مستقیم حاصل از عدم کفایت یا ناکامی جریان‌های داخلی، افراد و روش‌ها یا ریسک زیان ناشی از وقایع خارجی.

ریسک اعتباری (Credit Risk) - ریسک زیان ناشی از قصور مشتری اعتباری بانک یا بانک‌های طرف معامله.

ریسک بازار (Market Risk) - ریسک زیان‌های ناشی از موقعیت‌های تجاری، وقتی که قیمت‌ها برخلاف واقع حرکت می‌کنند.

وثیقه گذاری دارائی‌ها (Asset Securitisation) - مجموعه‌ای از دارائی‌ها یا تعهدات در قالب وثایق برای فروش به اشخاص ثالث.

عوامل مخففه ریسک اعتباری (Credit Risk Mitigation) - یک سری از تکنیک‌هایی که به موجب آن یک بانک بتواند نسبتاً خود را در مقابل قصور طرف‌های مقابل حفظ کند (به عنوان مثال، اخذ ضمانتنامه یا وثائق ملکی یا خرید ابزارهای سرمایه گذاری جبرانی)

برخی سئوالات اساسی در مورد مقررات جدید کمیته بازل

سؤال ۱ -

کمیته بازل چیست؟

جواب -

کمیته مرکب است از نمایندگان ارشد بانک‌های مرکزی تعدادی از کشورهای عمده صنعتی دنیا از جمله بلژیک، کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، لوکزامبورگ، هلند، سوئد، سوئیس، انگلستان و آمریکا که معمولاً هر سه ماه یک بار توسط بانک تسویه‌های بین‌المللی واقع در دبیرخانه دائمی آن (شهر بازل سوئیس) تشکیل می‌گردد. به علت اینکه جلسات سه ماهه در شهر بازل تشکیل می‌گردد، این کمیته به کمیته بازل معروف شده است. ضمناً از آنجائی که در ابتدا اعضای این کمیته از ده کشور صنعتی دنیا تشکیل می‌شده، به کمیته کشورهای گروه 10 نیز شهرت دارد.

سؤال ۲ -

اهمیت بیانیه‌های صادره از طرف این کمیته چیست؟

جواب -

این کمیته خط مشی‌های گسترده‌ای را که ناظران بانک مرکزی هر کشوری می‌توانند در کارهای نظارتی بر بانک‌های مستقر در کشورهای متبوع خود به کار ببندند، تعیین می‌کنند. از جمله این خط مشی‌ها می‌توان از مقررات جدید کفایت سرمایه و اصول اساسی آن نام برد که پیش نویس آن توسط کمیته تهیه گردیده و قرار است پس از دریافت دیدگاه‌های کارشناسان بانکی در سراسر دنیا، و تصویب نهائی از سال 2004 به مورد اجرا گذاشته شود.

سؤال ۳ -

آیا اعمال مقررات جدید کفایت سرمایه اجباری است؟

جواب -

مجموعه حاضر وقتی که نهایی شد، چارچوب اساسی کفایت سرمایه را برای کشورهایی که عضو کمیته بازل هستند مشخص خواهد کرد و پس از آن کمیته انتظار دارد که ناظران بانک

مرکزی در سراسر دنیا مقررات نظارتی خود را با مجموعه حاضر تطبیق دهند. اگرچه که برای نهایی شدن آن قبلاً دیدگاههای ناظران بانکی سراسر دنیا اخذ شده است. علاوه بر آن، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی همواره استانداردهای کمیته بازل را به عنوان یک راه کار آزمایشی در دستور کارهای خود قرار می دهند.

سؤال ۴ -

آیا با اعمال پیشنهاد مقررات جدید سیستم مالی بانکها مطمئن تر خواهد شد؟

جواب -

کمیته انتظار دارد که از طریق اعمال مقررات جدید، استحکام سیستم مالی به وسیله همطرازی نیازهای مقررات سرمایه تنظیمی جهت ریسکهای اساسی صنعت بانکداری ارتقاء یابد و همچنین باعث تشویق بانکها برای اعمال ریسک مدیریت بهتر و نظم بازار بیشتر گردد.

سؤال ۵ -

نحوه ارتباط بین کمیته بازل و بانک تسویه های بین المللی (BIS) چگونه است؟

جواب -

BIS (بانک تسویه های بین المللی) یک بانکی است که متعلق به بانکهای مرکزی دنیا است و برای آنها خدمت می کند و ساختمان آن جهت جلسات بین المللی مقامات مالی و بانکی مورد استفاده قرار می گیرد. به هر حال جدای از میزبانی جلسات و تدارکات دبیرخانه ای، BIS خود نقشی در جریان تعیین سیاستهای کمیته بازل ندارد.

سؤال ۶ -

چرا مجموعه موجود خیلی وسیع و گسترده است؟

جواب -

سه دلیل برای این سوال وجود دارد: اولاً مقررات جدید به شکل یکپارچه و چند منظور و با دیدگاههای مختلف و حق انتخاب گوناگون طراحی شده به طوری که هر بانکی با توجه به نیازهای خود بتواند از آن استفاده نماید. ثانیاً مقررات جدید دارای حساسیت ریسک بیشتر است و بنابراین تکنیکهای محاسباتی پیچیده تر هم دارد. ثالثاً مجموعه مشورتی موجود به مرور زمان تعاریفی را در عمل به وجود می آورد که موجب سادگی و سهولت مجموعه نهائی خواهد شد یا به

عبارت بهتر هر چه از زمان اجرای مقررات جدید بگذرد با برطرف کردن نقائص کشف شده و برطرف کردن آن‌ها یک مجموعه مقررات کامل‌تر به وجود خواهد آمد.

سؤال ۷ -

آیا اگر بانک‌ها بخواهند می‌توانند از مقررات جدید تبعیت نکنند و طبق مقررات موجود باقی بمانند؟

جواب -

کمیته انتظار دارد که ناظران بانک مرکزی در ارتباط با بانکهای فعال بین المللی مقررات جدید را از سال ۲۰۰۴ اعمال نمایند و آن بانک‌هایی که شیوه‌های ساده‌تر را دنبال می‌کنند، به هر حال می‌توانند محاسبات کفایت سرمایه مورد نیاز را مشابه مقررات موجود تعقیب نمایند.

سؤال ۸ -

صنعت بانکداری با کمیته بازل چگونه عمل می‌کند؟

جواب -

تمامی ابتکارات عمده اثرگذار بر روی بانک‌ها، پس از مشورت‌های زیاد با مقامات صنعت و اصولاً در سطح ملی به مورد اجرا گذاشته می‌شوند. احساس ما این است که بانک‌های عمده می‌خواهند در محیط تنظیم یافته‌ای که رقبای بین‌المللی آن‌ها نیز در همان محیط مشابه کار می‌کنند، فعالیت کنند، جدای از اینکه در چه محلی قرار دارند.

سؤال ۹ -

اگر مقررات قدیمی (موجود) آن قدر کهنه بود، چرا زودتر از اینها اقدام به تجدید نظر آن نشد؟

جواب -

پیش از این، مقررات سال ۱۹۸۸ (اولیه) چندین بار در جهان انعکاس تغییر در پویایی بازارهای مالی تعدیل گردیده است. حدود دو سال پیش کمیته تصمیم گرفت که تغییرات بنیادی بیشتری در پاسخ به تحولات تکنولوژیکی و ابزارهای مالی جدید که در بازار مورد نیاز است انجام دهد. صنعت بانکداری حالا تنها در حال تحصیل توانائی تکنیکی برای اندازه‌گیری ریسک‌های اعتباری و عملیاتی در مواجهه با پیشنهاد مقررات جدید می‌باشد. اقدامات قابل ملاحظه‌ای در طول دو سال آتیه مورد نیاز خواهد بود تا بانک‌ها و ناظران آن‌ها بتوانند

مهارت‌های لازم را جهت اجرای مقررات جدید کسب نمایند.

سؤال ۱۰ -

آیا بانک‌ها باتوجه به مفاد رکن دوم مقررات جدید ملزم به افشاء اطلاعات مربوط خواهند بود؟

جواب -

مجموعه حاضر یک مجموعه مشورتی است و اغلب مواردی که به موجب رکن سوم مقررات پیشنهاد افشای آن‌ها شده است جنبه توصیه‌ای دارند نه جنبه الزامی. معینا به مانند سایر جنبه‌های مقررات، هر چه بانک‌ها بخواهند از روش‌های پیچیده‌تری استفاده نمایند، به همان میزان ناظران نیز استانداردهای شدیدتری را اجرا خواهند نمود و این امر بستگی به نظر مقامات تصمیم‌گیرنده بانک‌ها دارد.

سؤال ۱۱ -

پیشنهاد مقررات جدید با پیشنهاد ژوئن سال ۱۹۹۹ چه تفاوت‌هایی دارد؟

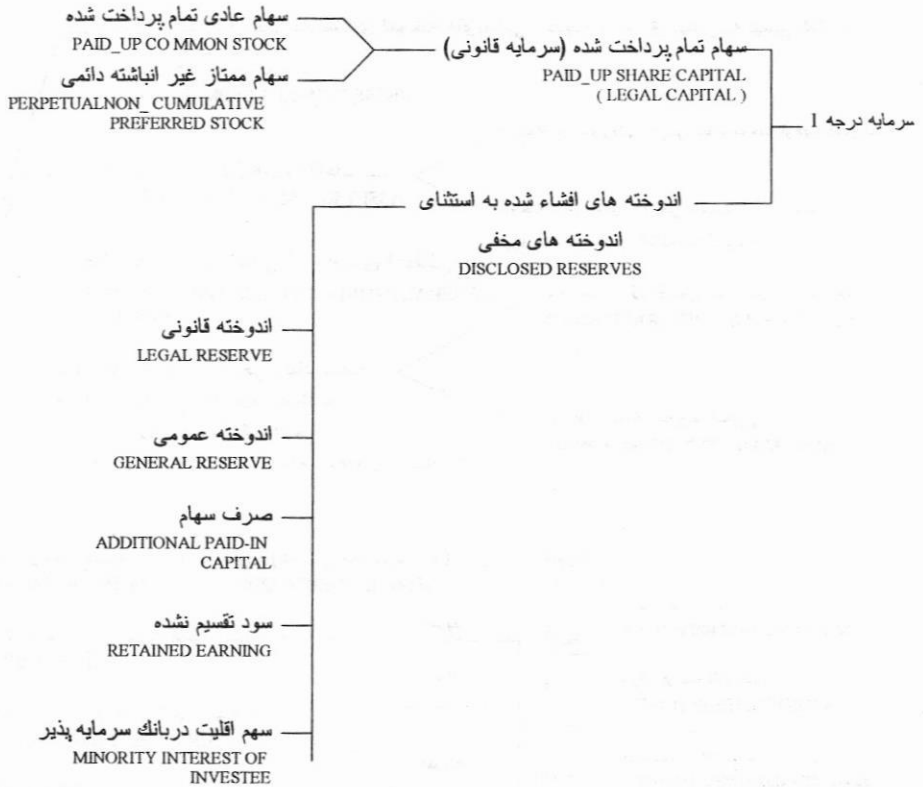
جواب -

مفاهیم اساسی و طرح آن هیچ فرقی نکرده و به همان شکل سال ۱۹۹۹ باقی مانده، اما مقررات جدید از ماهیت و ویژگی خیلی بیشتری برخوردار میباشد. عمده تغییرات نسبت به پیشنهاد ژوئن ۱۹۹۹ عبارتند از:

- در مورد نگرش محاسبه ریسک اعتباری، در بخش استاندارد شده، مجموعه سبد ریسک اعتبارات شرکت‌ها خیلی نزدیک‌تر به ریسک‌های اساسی می‌باشند. بنابراین محاسبه ریسک اعتباری بانک‌ها و شرکت‌ها (مشتریان) بهتر از ریسک مربوط به اشخاص بانفوذ انجام می‌شود.
- در مورد نگرش محاسبه ریسک اعتباری، در بخش مبنای نرخ بندی داخلی، دو انتخاب پایه و پیشرفته نیز در نظر گرفته شده که در حال حاضر در بسیاری از بانک‌ها مورد عمل قرار می‌گیرد.

- در مورد محاسبه سایر ریسک‌ها، رکن اول به خصوص بر روی ریسک عملیاتی تمرکز دارد.
- در مورد رکن‌های دوم و سوم نیز معیارهای مشخص بیشتری در نظر گرفته شده است.

نمودار اقسام تشکیل دهنده سرمایه درجه يك



نمودار اقسام تشکیل دهنده سرمایه درجه ۲

